



یک فعال مدنی در گفت و گویا «شهر واد» تشریح کرد:

دلایل عدم رشد سازمان‌های مردم‌نهاد در میان مردم

طرح نو مفهوم توسعه اجتماعی تا دهه ۱۹۸۰ میلادی بیشتر با شاخص‌هایی مانند رشد آموزش، رشد بهداشت و درمان و گسترش خدمات عمومی و رفاهی تعریف می‌شد. از دهه ۱۹۸۰، بر اساس مطالعات و تجارب جهانی معلوم شد، رشد توسعه اقتصادی و بالا رفتن درجه رفاه نمی‌تواند به تنهایی جامعه‌های سالم و توسعه اجتماعی متوازن را به ارمغان آورد. در نتیجه فرهنگ و ابعاد اجتماعی توسعه به شدت مورد توجه قرار گرفت. از جمله، شاخص‌های توسعه و پیشرفت گرایش قابل ملاحظه‌ای به سوی شاخص‌های فرهنگی - اجتماعی جامعه تعریف و شاخص گذاری شد. بدین ترتیب، انسان، از این دوره به بعد رشد و توسعه در پیوند و پیوستگی به زمینه‌ها و سرشت اجتماعی - اجتماعی توسعه یافته و مشارکت پیدا کرد. به عبارت دیگر نیازهای فکری و حتی معنوی‌اش و حضور اجتماعی او در عرصه‌های مختلف زندگی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بسیار مهم تلقی شد. تحت تأثیر این تحول، یکی از شاخص‌های کلیدی توسعه و پیشرفت، نقش و میزان حضور فعال مردم در قالب تشکلات‌های سازمان یافته برای تسهیل در امر توسعه و

توسعه یکی از مهم‌ترین موانع، جلوگیری دولت‌ها از رشد و توسعه جامعه مدنی محسوب می‌شود. من نمی‌دانم تا چه حد می‌توان این دلایل را شرح و بسط داد یعنی چقدر آزادی برای بیان دلایل داریم؟ خود من چون عمدتاً در حوزه کودکان کار و کودکانی که در معرض آسیب‌های اجتماعی هستند، کار و فعالیت کرده‌ام می‌توانم از این حوزه موانع، رشد میان مردم را بیان کنم.

اصلی‌ترین موانع در این میان چه مواردی هستند؟
آیا محدودیت‌های سیاسی و قانونی مانع است یا این که کمبود مشارکت اجتماعی میان مردم هم در این مسأله تأثیر گذار است؟

می‌دانید که کشور ما در فعالیت‌های خیریه‌ای و نیکوکارانه سابقه فرهنگی طولانی دارد. به همین نسبت ارتباط مردم با سازمان‌های خیریه‌ای بسیار خوب بوده و هستند. در مواردی می‌توان گفت این ارتباط قوی‌تر از ارتباط نهاد‌های مدنی با مردم است. این که تفاوت این دو نهاد در چیست، خودش موضوعی است قابل تأمل. موانع امری توان در ۲۰۰۰ حوزه بررسی کرد. یکی در حوزه خود سازمان‌ها که مواردی وجود دارد که نتوانسته‌اند رویکرد مردم محور داشته باشند که اصطلاحاً به آن رویکرد محله محور گفته

می‌شود؛ به طوری که هر آن‌جایی که در حوزه فعالیت خود بتواند بیشترین ارتباط را با مردم داشته باشد، دلیل دیگر به خود مردم برمی‌گردد. مردمی که به خیریه‌ها و اهداف آنها شناخت و اعتماد کافی داشتند ولی سازمان‌های جدید در حوزه‌های متفاوت را به خوبی نمی‌شناسند و به همین دلیل این مشارکت ایجاد نشده است. موانع سوم مشکلاتی است که از طرف دولت‌ها اعمال می‌شود. این مشکلات از دادن مجوزها شروع می‌شود تا محدودیت‌هایی که در فعالیت این سازمان‌ها اعمال می‌شود. هر یک از این دلایل خودشان زیر مجموعه‌های مختلفی هم دارند. به عبارتی می‌توان در پاسخ به این که چرا سازمان‌های دولتی نتوانسته‌اند با مردم ارتباط برقرار کنند، دلایل بسیار متعددی را عنوان کرد ولی در کل مشکلات و موانع از این ۳ حوزه نگرانیست و نکته مهم این است که هر حوزه‌ها هم مرتبط هستند و نمی‌توان به قول معروف همه کاسه و کوزه‌ها را سر یک حوزه خالی کرد. مردم، سازمان‌ها یا دولت را نمی‌توان به تنهایی مقصر دانست.

دروست است، با این حال اصلی‌ترین سد راهی که در

می‌خواهیم در مورد ارتباط مردم با سازمان‌های مردم‌نهاد بیشتر بدانیم؛ آن‌جایی که اوها در ایران چقدر درون مردم رشد پیدا کرده‌اند؟

موضوع خوبی را مطرح کردید. البته نمی‌توان کلی گویی کرد. در نگاه اول باید این واقعیت را قبول کنیم که ارتباط‌های مردمی با سازمان‌های غیردولتی در کشور ما به طور وسیع شکل نگرفته است. تعارفی هم در این واقعیت نداریم. البته این رشد میان مردم در انجمن‌های مختلف متفاوت است؛ مثلاً سازمان‌های محیط زیستی شاید زمینه توسعه میان جامعه را بیشتر از سایر حوزه‌ها داشته باشند. حوزه فعالیت و تلقی کلی توسعه میان سازمان‌های مردم‌نهاد در کشور مادر زمینه رشد آن خیلی مهم است. موضوعی که شما مطرح کردید بسیار خوب و قابل بحث است. مسأله اول مشارکت و مصادیق مختلف آن است. به طوری که شرکت داشتن، حضور پیدا کردن، تشریح مساعی، سهیم شدن، مسئولیت پذیری و واگذاری امور به مردم و نوعی خودگردانی، همه و همه از مصادیق مشارکت تلقی می‌شوند که هر یک از آن می‌تواند تعریف مجزایی جای داد. یکی از مهم‌ترین دلایلی که شاید بتوان گفت برای کمبود مشارکت مردم در فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی مطرح است، موانع سیاسی یا همان معانعت دولت‌هاست. به ویژه در کشورهای در حال

مسیر فعالیت آن‌جایی که اوها وجود دارد، چیست؟ دولت و موانع قانونی یا خودسازمان‌ها یا مردمی که شناخت کافی ندارند؟

من به این مسأله معتقدم که در مسائل انسانی نمی‌توان دنبال یک دلیل گشت. شاید به سهولت نتوان گفت اصلی‌ترین عامل دولت‌ها بوده‌اند. البته در جامعه ایران می‌توان گفت این عامل بیشتر تأثیر داشته است. با این حال به عنوان یک دلیل اصلی یا دلیل خیلی مهم نمی‌توان آن را عنوان کرد. در واقع همه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این زمینه تأثیر گذار هستند. وقتی جامعه‌ای از نظر اجتماعی، آزادی‌های کافی را نداشته باشد و مشکلاتی وجود داشته باشد، طبیعی است که شکل گیری و توسعه آن‌جایی که اوها میان مردم و جذب مشارکت‌های اجتماعی خیلی کند و با مشکل انجام می‌گیرد.

همکاری و مشارکت بین سمن‌ها مطمئناً می‌تواند در توسعه و شناخت میان مردم تأثیر گذار باشد. امکان این همکاری‌ها در ایران چگونه است؟

شرط اصلی ایجاد تفاهم بین سازمان‌های مردم‌نهاد و نهایتاً توسعه فعالیت‌هایمان جامعه، ایجاد تفاهم با دولت و سازمان‌های دولتی است. اگر زمینه این تفاهم به وجود آید می‌توان به مشارکت بین بخشی سازمان‌های غیردولتی هم رسید. به عنوان نمونه نهاد‌های اجتماعی فعال در حوزه محیط زیست به دلیل اهمیت فسران آن و کم‌تر بودن حساسیت‌ها از تباط بسیار خوبی با هم دارند و تأثیر گذاری نسبتاً خوبی هم داشته‌اند تا جایی که توانسته‌اند سیاست‌های کلی را تا اندازه‌ای تغییر دهند. در کشور ما همان‌طور که اشاره کردم محدودیت‌ها بیشتر است و مشارکت و ارتباط سمن‌ها در این شرایط، سخت‌تر. با این حال حوزه‌هایی که کم‌تر حساسیت روی آنها وجود دارد زمینه این کار را بیشتر دارند. مثل محیط زیست، که در ایران هم در این زمینه حرکت‌های خوبی را شاهد بوده‌ایم. اما به طور کلی باید شرایط تفاهمی با سیاست‌های دولتی به وجود بیاید چون در غیر این صورت امکان توسعه ارتباط وجود نخواهد داشت.

وضعیت فعلی جامعه‌ها مشخص است؛ موانع قانونی و سیاسی هم به جای خود وجود دارد؛ در شرایط فعلی به نظر شما آن‌جایی که اوها چقدر تکاپو کرده‌اند تا میان مردم رشد پیدا کنند؟ در واقع می‌توان گفت چه راهکارهایی برای رفع این موانع در پیش گرفته‌اند؟

همان‌طور که گفتیم، هم دلایل متعدد است و هم راهکارها. حقیقت این است که ساختار سازمان‌های غیردولتی در ایران آنچنان توانمند نشده‌اند چه از نظر نیروی انسانی متخصص و چه در زمینه اجرای برنامه‌ها؛ بخشی از این توانمندی از سوی مراجع بین‌المللی آرایه می‌شود که لازمه همین امر وجود داشتن نوعی ارتباطات فرامرزی است. افرادی که در سازمان‌های غیردولتی هستند، انسان‌هایی هستند که شوق کارهای نودست‌هسته دارند. این افراد برخلاف فعالیت‌های خیریه لزوماً پولدار نیستند. بنابراین کمبودهایی که از لحاظ مالی بر بسیاری از گروه‌ها وارد می‌شود آنها را از توسعه فعالیت بازمی‌دارد و اجباراً محدود می‌شوند. مثلاً موسساتی که تعدادی از کودکان کار را تحت پوشش قرار داده‌اند، سعی می‌کنند امکانات آموزشی و خدماتی همین تعداد محدود ۳۰۰-۲۰۰ نفر را حفظ کنند. در حالی که اگر امکانات بیشتری داشتند، بیشتر و بهتر می‌توانستند با مردم ارتباط بگیرند. از طرف دیگر مردم ما هم به چند دلیل با سازمان‌های مردم‌نهاد کمتر ارتباط دارند و زمینه توسعه این کار فراهم نیست. اول این که مردمی که با این مراکز ارتباط دارند، اغلب تمکن مالی زیادی ندارند و بر اساس دغدغه شخصی و دواطلبانه وارد این حوزه شده‌اند. نیروهای انسانی نهاد‌های مدنی اکثر دانشجویان یا فرهنگیان هستند که در سازمان‌های غیردولتی فعالیت می‌کنند. در این جاب‌ها هم نقش جامعه مهم و تأثیر گذار است. در جوامعی که آزادی کمتر است، هم مشارکت مردمی در این حوزه‌ها کمتر می‌شود. به عبارتی مردم یاد نگرفته‌اند که این فرصت‌ها هم برای فعالیت وجود دارد و زمانی که با این سازمان‌ها آشنایی پیدا می‌کنند هم به دلیل موانع و محدودیت‌هایی که وجود دارد، نوعی ترس از مشارکت مواجه می‌شوند و ترجیح می‌دهند وارد این حوزه‌ها نشوند. در واقع دلایل بسیار پیوسته است. به نوعی نمی‌توان دسته‌بندی مجزایی داشت و گفت مثلاً این دلیل به سازمان‌های غیردولتی برمی‌گردد و این دلیل به دولت؛ چرا که همه موانع ارتباط‌های مستمر با هم دارند.

ایده

سازمان‌های مردم‌نهاد خلأهای قانونی و اجرای ناصحیح قوانین موجود



فائزه درخشانی
مدیر سایت دست‌داست

دنیای آشنا شوند و آموزش را در اولویت کاری خود قرار دهند. از سوی دیگر پیشنهاد من برای اعتمادسازی بیشتر این سازمان‌ها بین مردم آن است که همکاری‌های بین‌سازمانی را افزایش دهند. با این توضیح که در یک همکاری مشترک فعالیت‌هایی را تعریف کنند و یک کمیته مشترک راه بیندازند.

با استفاده از این روش، هم پست‌نامه مالی سازمان‌ها بیشتر می‌شود (چون منابع مالی مختص به خود را در یکجا جمع می‌کنند و حاصل جمع این منابع عدد بسیار بزرگتری تشکیل می‌دهد). از سوی دیگر با استفاده از این روش، آشنایی مردم با این سازمان‌ها بیشتر می‌شود و فرآیند اعتمادسازی با سرعت بیشتری افزایش پیدا خواهد کرد. می‌خواهم امیدوار باشم

در ایران ما شرکت‌های خصوصی در زمینه فعالیت‌های اجتماعی فعال‌تر از گذشته عمل کنند و مسئولیت‌های اجتماعی خود را از یاد نبرند. این کار باعث می‌شود کمک به سازمان‌های مردم‌نهاد بیش از پیش افزایش یابد. امروز شرکت‌های بزرگ جهانی بخشی از بودجه خود را برای اهداف اجتماعی و بشردوستانه هزینه می‌کنند. آنها این بخش از بودجه خود را در اختیار سازمان‌های مردم‌نهاد قرار می‌دهند و سازمان‌های مذکور با بنیانه مالی قوی‌تر در راه اهدافی که در دستور کار خود دارند قدم برمی‌دارند.

نیازمند منابع مالی هستیم. از سوی دیگر، بیشتر سازمان‌های ما با روش‌های نوینی که در دنیا برای بازاریابی اجتماعی مرسوم است، آشنایی کافی ندارند. استفاده از این روش‌ها به ما کمک می‌کند پیام را به گونه‌ای تعریف کنیم که در ذهن مردم بماند. با این وجود اما افراد فعال در سازمان‌های مردم‌نهاد با این روش‌ها آشنایی ندارند. از سوی دیگر، یکی از عوامل تأثیر گذار در عدم توفیق سازمان‌ها در پیشبرد اهدافشان آن است که اعتماد مردم نسبت به سازمان‌های فعال اجتماعی (اعم از خیریه‌ها و سمن‌ها) کاهش چشمگیری پیدا کرده است. در طول سال‌های اخیر، تعداد خیریه‌ها و سمن‌ها در مقایسه با گذشته افزایش چشمگیری داشته اما تلاش آنها به منظور معرفی خودشان به مردم کمتر

شده است. مردم به ترمینال، فروشگاه، خیابان و... می‌روند و می‌بینند فلان سازمان خیریه در حال پول جمع کردن است. با این وجود آنها نمی‌دانند، این سازمان چه کاری انجام می‌دهد و گردانندگانش چه کسانی هستند. به منظور بهبود وضعیت به وجود آمده و اعتمادزایی، این سازمان‌ها باید گزارش دریافت هزینه‌های مالی خود را منتشر کنند. مردم از این راه به سازمان‌های مذکور اعتماد بیشتری خواهند کرد. موانعی که فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را با مشکل مواجه کرده از دو منظر قابل بررسی هستند. برخی از این موانع به خود سازمان‌ها و نحوه عملکرد آنها مربوط است. آنها برای دورزدن این مانع باید خودشان را بیش از گذشته قدرتمند کنند، با روش‌های نوین مرسوم در



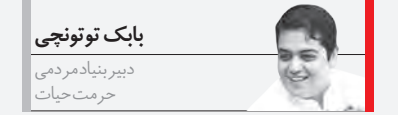
سرمه به ترمینال، فروشگاه، خیابان و... می‌روند و می‌بینند فلان سازمان خیریه در حال پول جمع کردن است. با این وجود آنها نمی‌دانند، این سازمان چه کاری انجام می‌دهد و گردانندگانش چه کسانی هستند. به منظور بهبود وضعیت به وجود آمده و اعتمادزایی، این سازمان‌ها باید گزارش دریافت هزینه‌های مالی خود را منتشر کنند. مردم از این راه به سازمان‌های مذکور اعتماد بیشتری خواهند کرد.

می‌خواهم امیدوار باشم در ایران ما شرکت‌های خصوصی در زمینه فعالیت‌های اجتماعی فعال‌تر از گذشته عمل کنند و مسئولیت‌های اجتماعی خود را از یاد نبرند. این کار باعث می‌شود کمک به سازمان‌های مردم‌نهاد بیش از پیش افزایش یابد. امروز شرکت‌های بزرگ جهانی بخشی از بودجه خود را برای اهداف اجتماعی و بشردوستانه هزینه می‌کنند. آنها این بخش از بودجه خود را در اختیار سازمان‌های مردم‌نهاد قرار می‌دهند و سازمان‌های مذکور با بنیانه مالی قوی‌تر در راه اهدافی که در دستور کار خود دارند قدم برمی‌دارند.

چرا مردم دل‌شان به حال خودشان نمی‌سوزد؟



برای کار در انجمن‌های مردم‌نهاد فعالیت کنند که یکی از آن اقسا، زنان خانه‌دار هستند. این قشر همان‌طور که می‌تواند زمان مناسبی را به این گونه فعالیت‌ها اختصاص دهد، از طرفی در برخی از موارد ممکن است توانایی عملگرایی نداشته باشد و از این رو نیز نیازمند تعریف استانداردهایی است که بتواند به درستی در این راستا گام بردارد. از سوی دیگر مشکل اصلی که جامعه ما با آن درگیر است، این است که مردم ما به‌علاوه از بلاتکلیفی عمومی نسبت به مسائل اجتماعی کشور به‌سری می‌زنند. این وضع برای آنها شرایطی را به وجود آورده که امکان عملگرایی از آنها سلب شده است. گویا آنها خود را مالک کشور نمی‌دانند و کشور و اتفاقات موجود در آن از آنها بسیار



بایک تونچی
دبیر بنیاد مردمی
حرمت حیات

برای حضور مردمی در سازمان‌های مردم‌نهاد، قبل از آن که قرار باشد عملی از سوی سازمان‌ها برای جذب مردم صورت گیرد، آنها باید خودشان از حضور در چنین کارهایی استقبال کنند. این امر باید دغدغه شخصی و اجتماعی‌شان باشد. این مردم هستند که باید دلشان برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، بسوزد. در حال حاضر مشکل اینجاست که بسیاری از مردم این حس تعهد و نوسوسه درونشان وجود ندارد. برایشان مهم نیست که چه بلایی بر سر محیط اطرافشان، حیوانات، گیاهان و تمامی چیزهایی که حیات روی زمین به آنها وابسته است، می‌آید. شاید به راحتی بتوان گفت که مقصر این شرایط هم علاوه بر عدم آموزش درست و دقیق، شرایطی است که افراد در آن قرار دارند. شرایط دشوار اقتصادی که آنها را از انجام بسیاری از وظایف اجتماعی باز داشته است. در حال حاضر چنانچه شما تلفن انجمن ما را بگیرید، کسی نیست که به شما پاسخ گوید. چرا که تمامی افراد درگیر کارهای روزانه و کسب درآمد و اگر هم بخواهند زمانی را به این امر اختصاص دهند، قطعاً این زمان در روزهای تعطیلی و آخر هفته است. در نتیجه شاید در این شرایط نتوان توقع همکاری از سوی مردم را داشت و شاید نتوان تنها از قشر خاصی چنین خواستی را داشت که با تمام توان و زمان‌شان